

بررسی تأثیر نسبت‌های مالی حسابداری بر نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور، مطالعه موردی: بانک‌های تجاری دولتی، خصوصی و اصل ۴۴

رضا منصوریان نظام آباد^۱

خالد شیخی^۲

محمد رضا محجوب^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۱

چکیده

سرمایه مناسب و کافی، یکی از شرایط لازم برای حفظ سلامت نظام بانکی است و هریک از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری برای تضمین ثبات و پایداری فعالیت‌های خود، باید همواره نسبت مناسبی را میان سرمایه و ریسک موجود در دارایی‌های خود برقرار نمایند. کارکرد اصلی این نسبت حمایت بانک در برابر زیان‌های غیرمنتظره و نیز حمایت از سپرده‌گذاران و اعتباردهندگان است. مطالعات قبلی درباره ارتباط بین نسبت‌های مالی و کفایت سرمایه، نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند؛ لذا هدف این پژوهش، بررسی رابطه بین نسبت‌های مالی حسابداری و نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور می‌باشد که داده‌های سه گروه بانکی در فاصله زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ با استفاده از روش تحلیل ترکیبی داده‌ها مورد ارزیابی قرار گرفته است، و یافته‌ها بیانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار بین اندازه بانک‌ها (گروه تجاری دولتی و خصوصی)، با نسبت کفایت سرمایه و ارتباط منفی و معنادار بین اهرم مالی با نسبت کفایت سرمایه دارد. بازده دارایی‌ها ارتباط مثبت و معنادار در گروه خصوصی و منفی و معنادار در گروه بانک‌های تجاری دولتی، بازده حقوق صاحبان سهام نیز ارتباط مثبت و معنادار بین بانک‌های تجاری دولتی و منفی و معنادار بین بانک‌های خصوصی با نسبت کفایت سرمایه دارد. سایر یافته‌ها با توجه به آماره f به دست آمده، حاکی از عدم وجود ارتباط بین نسبت‌های مالی حسابداری با نسبت کفایت سرمایه در سطح اطمینان ۹۵ درصد در گروه بانک‌های اصل ۴۴ می‌باشد که الزام اهمیت و توجه به نسبت کفایت سرمایه را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

واژگان کلیدی: کفایت سرمایه، اهرم مالی، بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام

طبقه بندی JEL: B26, E22, C23, G21

۱. دانشجوی دکترای مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی میاندوآب، نویسنده مسئول: mansourian63.reza@gmail.com

۲. دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی میاندوآب

۳. دانشجوی دکترای مهندسی مالی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

۱. مقدمه

در اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری یکی از شاخص‌های مهم محسوب می‌شود و نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. در اقتصاد خرد نیز، اهمیت تصمیمات سرمایه‌گذاری، ناشی از این مساله است که در واقع فرد سرمایه‌گذار، مصرف امروز را به امید مصرف بیشتر، به زمانی در آینده موکول می‌کند. در واقع، تصمیم بهینه سرمایه‌گذاری، میزان مطلوبیت مورد انتظار سرمایه‌گذار را از مصرف آتی بیشینه می‌سازد. تابع مطلوبیت هر فرد با توجه به ترجیحات شخصی وی تعیین می‌شود که لزوماً با سایر افراد یکسان نخواهد بود.

یکی از ملزومات اولیه و پیش‌نیازهای اصلی برای قرار گرفتن در مسیر توسعه، تأمین و تخصیص سرمایه و منابع مالی به شکل مطلوب است که در این میان نقش و جایگاه نهادها و مؤسسات مالی اهمیت می‌یابد که به نوعی در تجهیز، تأمین و گردآوری سرمایه و منابع مالی، از یک طرف و از طرف دیگر، در تخصیص و توزیع مطلوب آن مؤثرند. در این راستا، بانک‌ها نقش بسیار حساس و مهمی را در اقتصاد کشور ما بر عهده دارند. در واقع، بانک‌ها از جمله قدیمی‌ترین، فعال‌ترین و گسترده‌ترین واسطه‌های مالی هستند که نقش غیرقابل‌انکاری در جمع‌آوری و توزیع مطلوب منابع مالی بر عهده دارند. نیازهای متفاوت جوامع پیشرفته و در حال پیشرفت و همچنین مداخلات دولتها در بازار پول برای تحقق اهداف مختلف از جمله اهداف توسعه‌ای باعث شده است تا بانک‌ها در طول زمان دچار تحول شده و در چارچوب‌های مختلفی ساماندهی گردند که از جمله این تقسیم‌بندی‌ها می‌توان به بانک‌های توسعه‌ای، تجاری و تخصصی اشاره نمود که هر کدام از آنها بنا بر اقتضات جوامع مختلف به صورت دولتی و خصوصی ایجاد و توسعه یافته‌اند.

بانکداری در ایران نیز به همین منوال شکل گرفته و بنا بر شرایط اقتصادی و سیاسی و به صورت کلی متناسب با دیدگاه‌های توسعه‌ای سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور توسعه یافته و از طرف دیگر، محیطی که بانک‌ها امروزه در آن فعالیت می‌کنند، محیطی در حال رشد و بسیار رقابتی می‌باشد و بانک‌ها برای ادامه حیات، مجبور به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی و بسط فعالیت‌های خود از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید هستند. بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری احتیاج به منابع مالی دارند، اما منابع مالی و استفاده از آنها باید به خوبی تعیین شود تا بانک‌ها بتوانند سودآور باشند و این وظیفه مدیر اعتبارات بانک می‌باشد که منابع مالی و نحوه استفاده از آنها را تعیین کند.

روند شتابان خصوصی‌سازی که این روزها با سرعتی بیش از گذشته به سمت رهایی از بندهای مدیریت دولتی پیش می‌رود، مسائل جدیدی را فراروی بانک‌ها، ناظران بانک‌ها، دولت و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی قرار داده است. در دهه‌های اخیر، توجه به پارامترها و معیارهای حاکم بر

نظام بازار، هم در بانک‌های دولتی و هم، در بانک‌های خصوصی فزونی گرفته و مدیریت بانک‌ها با تهدیدها و مسائلی دست و پنجه نرم می‌کنند که تا چندی پیش با اتکا به کمک‌های دولتی اهمیت چندانی نداشت. بانک‌های خصوصی از آزادی عمل بیشتری نسبت به گذشته برخوردار می‌باشند و در غیاب سیاست‌های دستوری گذشته که در نگرش مدیریت دولتی به بانک‌ها تحمیل می‌گردید، فرصت‌های جدیدی را نیز برای عملیاتی کردن طرح‌ها و برنامه‌های ابتکاری مورد نظر خود و افزایش کارایی در اختیار دارند.

مسائلی از قبیل سودآوری و کاهش هزینه‌ها و ارتقاء کیفیت خدمات تا چندی پیش در محدوده فعالیت بانک‌های کشور که تحت مالکیت و مدیریت دولتی بودند، به شکل رقابتی موجود مطرح نبود. هم‌اکنون با تأسیس و گسترش بانک‌های خصوصی و خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی، به مقوله‌های مهم و قابل اعتنا برای فعالان این صنعت تبدیل شده است؛ چرا که رفته رفته فضای امن و انحصاری گذشته که در سایه حمایت‌های دولت از نظام بانکی پدید آمده بود، جای خود را به فضایی رقابتی و پرمخاطره داده است.

در این میان، اولین و مهمترین عاملی که می‌تواند در مقابل مخاطرات ناشی از ناتوانی بانک‌ها مقاومت کند، نسبت سرمایه به دارایی‌های بانکی است. کفایت سرمایه (داشتن سرمایه مناسب در مقایسه با دارایی‌ها)، نقطه هدف بسیاری از مطالعات بوده است و از آن به عنوان یکی از مهمترین محرک‌ها در سودآوری مؤسسات مالی یاد می‌شود. تاملی گذرا در نظریه بانکداری به وضوح گویای آن است که تمام ابعاد و جنبه‌های گوناگون نظام بانکی هر کشور به طور مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از دسترس بودن سرمایه و امکان کسب بازده مورد انتظار از محل آن است.

ساختار سرمایه از جمله موضوعاتی است که در عرصه بانکداری دارای اهمیت فراوانی است، مرتبط بودن ساختار سرمایه بانک‌ها با ریسک اعتباری و هزینه سرمایه باعث ایجاد تمایلات متضاد در بانک برای کاهش نسبت سرمایه برای رسیدن به سود بیشتر و یا افزایش سرمایه برای مقابله با خطر نکول شده است. از همین رو، برای اطمینان از سلامت نظام پولی و مالی داخلی و بین‌المللی، یک سری مقررات توسط نهادهای مسئول داخلی و بین‌المللی در این زمینه، وضع و به مورد اجرا گذاشته شده است. از طرف دیگر، در سطح جهانی هم اکنون ساختار سرمایه بانک‌ها به صورت شدیدی تحت تنظیم و مقررات قرار گرفته است. با توجه به آنکه صنعت بانکداری کشور در حال عبور از انحصار دولتی به بازار رقابتی می‌باشد، بررسی موضوع کارایی و ارزیابی عملکرد آنها، بیش از پیش اهمیت دارد (دادگر، ۱۳۸۶).

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

سرمایه رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که به آن بانک اجازه می دهد که هنگام رویارویی با مشکلات کلان اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد. امروزه جهت ارزیابی وضعیت بانک ها و مؤسسات اعتباری از یک سری از معیارهای کمی استفاده می شود که نسبت کفایت سرمایه در میان آنها از اهمیت خاصی برخوردار است (بیانیه کمیته بال، ۲۰۰۲).

گسترش خصوصی سازی در صنعت بانکداری کشور در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی که با بحران اخیر صنعت بانکداری جهان نیز همراه شده، فضایی رقابتی و در عین حال بی ثبات و خطرآفرین را ایجاد کرده است. این روند و درسهای سیاستی از بحران اخیر، بانک ها را بر آن می دارد که ضمن رعایت جدیدترین مقررات نظارتی مانند کفایت سرمایه، در جهت شناخت بیشتر این صنعت گام بردارند. بانکها به واسطه ویژگی هایی که دارند، بسیار آسیب پذیر بوده و می باید سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیت های خود داشته باشند. از طرف دیگر، بانکها باید مراقب باشند آسیب های وارده به سپرده گذاران منتقل نشود، و هرگونه زیان احتمالی توسط سرمایه جذب شود و به این ترتیب، اعتماد عمومی به بانک حفظ شود. به همین دلیل، سرمایه در مؤسسات بانکی از اهمیت ویژه ای برخوردار، و یکی از مهمترین معیارهای سنجش سلامت این مؤسسات است.

پس از تحولات رخدادهای مهم اقتصادی در سه دهه آخر قرن بیستم، تغییرات سریع تکنولوژی و اهمیت صنعت بانکداری در پیشرفت اقتصادی کشورها، بانک تسویه حساب های بین المللی در سال ۱۹۷۴ کمیته ای را برای بررسی مسائل بانکی به نام کمیته بال بنیاد نهاد. امروزه بسیاری از مراجع نظارتی بانکی در سراسر جهان از رهنمودهای کفایت سرمایه که از جانب کمیته بال ارائه شده است، استفاده می کنند. استاندارد کفایت سرمایه طرح شده توسط این کمیته، نقش بسیار با اهمیتی را در بهبود سلامت و ثبات نظام های بانکی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایفا کرده است. در طول دهه گذشته، استاندارد کفایت سرمایه ارائه شده از سوی کمیته بال به صورت فزاینده ای در عرصه کشورهای توسعه نیافته و در محدوده اقتصادهای در حال گذار (مانند ایران)، اشاعه پیدا کرده است. کفایت سرمایه در بانک، رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است که بانک را قادر می سازد هنگام مواجهه با مشکلات اقتصادی، توانایی بازپرداخت بدهی خود را داشته باشد.

سرمایه علاوه بر آنکه نقش مهمی در ثبات مالی بانک ها و انگیزه های ریسک پذیری ایفا می کند، در ایجاد رقابت مثبت میان بانک ها نیز بسیار مؤثر است.

یکی از ابزارهایی که امروزه توسط هر بانک جهت ارزیابی سایر بانک ها در مبادلات بانکی به کار می رود، استفاده از نسبت کفایت سرمایه است. در کشور ما نیز بانک های فعال در سطح بین المللی می باید اقدامات لازم را در جهت رسیدن به حداقل نسبت مذکور (۸ درصد) به عمل آورند تا در

مبادلات بین بانکی با مشکلاتی نظیر افزایش نرخ بهره تسهیلات اعطایی که یکی از مهمترین عوامل در این مبادلات است، مواجه نشوند.

حاصل اقدامات اولیه در راستای تدوین استانداردهای حاکم بر اندازه‌گیری و ارزیابی کفایت سرمایه در دسامبر ۱۹۸۸ میلادی و در قالب بیانیه‌ای به نام موافقتنامه سرمایه‌های ۱ (یا موافقتنامه ۱۹۸۸) منتشر شد. بعدها بر روی این موافقتنامه اصلاحاتی انجام گرفت و در سال ۲۰۰۴ بیانیه دیگری تحت عنوان بال ۲ صادر گردید که از سال ۲۰۰۷ به صورت عملی در بسیاری از بانک‌ها به مورد اجرا گذاشته شده است. در حال حاضر، بیانیه بال ۲ جامع‌ترین سند مورد توافق در زمینه نظارت بر سرمایه‌های مکفی بانک‌ها در مجامع حرفه‌ای و نظارت بانکی بین‌المللی، به شمار می‌رود. در این سند، معیارهای کفایت سرمایه بانک‌ها، روشهای برآورد ریسک اعتباری، ریسک بازار و ریسک عملیاتی بانک‌ها، پیش‌نیازهای لازم در ارزیابی کفایت سرمایه و ضوابط ناظر بر افشا روشهای مربوطه، در ارکان سه‌گانه بیانیه با مقاصد اجرایی طراحی شده است. ضوابط مطرح در بیانیه اولیه سرمایه‌های کمیته بال در زمینه روشهای محاسبه دارایی‌های موزون ریسکی گسترش یافته و تا حد امکان انعطاف پذیرتر شده است. لذا در سایه این انعطاف‌پذیری و همراه با معرفی رویکردهای گوناگون برای محاسبه دارایی‌های ریسکی، دست بانک‌ها در انتخاب مناسب‌ترین گزینه برای دست یافتن به حداقل معیارهای مورد نظر کمیته بال، بازتر شده است. در عین حال، گستره بیانیه در حوزه‌هایی که روشهای پیشرفته در محاسبه ریسک‌های مورد نظر را مطرح می‌کند، به رغم اینکه به پوشش بهتر ریسک‌ها و مخاطراتی که یک بانک را تهدید می‌کند، انجامیده، تا حدودی به پیچیدگی بیانیه جدید نیز افزوده است. لیکن توجه کمیته بال به تفاوت‌های موجود تکنیکی و مقرراتی در نظام‌های بانکی و نظارتی کشورهای مختلف، موجب شده است تا صلاحدید مقامات نظارتی ملی در هر کشور به عنوان یک اصل ضروری در اجرایی کردن بیانیه از سوی کمیته پذیرفته شود.

کاهان و همکاران (۱۹۷۷)، تحقیقات اولیه‌ای پیرامون مقررات مربوط به سرمایه بانک‌ها انجام دادند. آنان در تحقیقات خود، میزان اثربخشی استانداردهای سرمایه در رابطه با کنترل سلامت و ثبات بانک‌ها در بازار کامل را بررسی کردند. در پی این تحقیقات و با توجه به معرفی موضوع بیمه سپرده‌ها، نقش قوانین و مقررات مربوط به سرمایه بانک‌ها پررنگ‌تر گردید.

پیل (۱۹۷۱) از جمله محققانی بود که از نظریه پرتفوی که در آن بانک به عنوان پرتفویی از اوراق بهادار در نظر گرفته می‌شود، استفاده کرد. نظریه مزبور این چنین مطرح می‌کند که مدیران بانک‌ها ترکیب پرتفوی خود را طوری انتخاب می‌کنند تا حداکثر سود مورد انتظار را با توجه به سطح ریسک معین به دست آورند.

نتایج تحقیق کاب پونگ ناوپان (۲۰۰۳)، حاکی از ارتباط منفی بین سطوح مختلف سرمایه و بازده حقوق صاحبان سهام در بانک های نیوزیلند و ارتباط مثبت در بانک های استرالیا است. دیوید هاچیسون و ریموند کوکس (Hutchison and Cox, 2006)، به بررسی رابطه میان ساختار سرمایه بانک ها و دو شاخص سودآوری بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام در ایالات متحده آمریکا پرداخته اند. نتایج تحقیق نشان می دهد که ارتباط مثبت بین اهرم مالی و بازده حقوق صاحبان سهام و نیز ارتباط معکوس بین اهرم مالی و بازده دارایی ها وجود دارد. دی ام متاوا (۲۰۰۹)، در تحقیق خود به بررسی رابطه میان کفایت سرمایه و نسبت هزینه و درآمد با سودآوری بانک های تجاری کنیا پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از ارتباط مثبت سودآوری بانک ها با نسبت سرمایه اصلی می باشد و نسبت سرمایه موزون شده به ریسک، دارای ارتباط منفی با نسبت سرمایه حقوق صاحبان سهام و نسبت هزینه و درآمد می باشد. زهرا نوری (۱۳۸۹)، به بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با شاخص ریسک ورشکستگی و شاخص های عملکردی در بانک های خصوصی و دولتی به صورت جداگانه در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که سودآوری و بازده بانک های خصوصی بیش از بانک های دولتی بوده و عملکرد مالی بهتری نسبت به بانک های دولتی داشته اند؛ در ضمن میانگین شاخص ریسک ورشکستگی بانک های خصوصی نیز بیشتر از بانک های دولتی می باشد. بر اساس تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی، این تحقیق در صدد است تا به بررسی نسبتهای مالی حسابداری بر نسبت کفایت سرمایه در سیستم بانکی ایران بپردازد. متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق به صورت زیر تعریف می شوند:

نسبت کفایت سرمایه^۱ (CAR)

نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی های موزون شده به ضرایب ریسک برحسب درصد می باشد. این نسبت اولین بار در سال ۱۹۸۸ توسط کمیته بال به بانک های دنیا معرفی گردید. کمیته بال در آن سال مجموعه ای از شروط حداقل سرمایه را به بانک ها پیشنهاد کرد که بعدها به «پیمان بال» معروف شد. براساس قوانین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حداقل نسبت کفایت سرمایه مطلوب برای بانک های ایرانی معادل ۸ درصد است (تعریف برگرفته از دانشنامه ویکی پدیا).

$$CAR = \frac{\text{Tier 1 capital} + \text{Tier 2 capital}}{\text{Risk weighted assets}}$$

1. Capital Adequacy Ratio

اندازه بانک (SIZE)

اندازه بانک به وسیله ارزشیابی کل دارایی‌های بانک سنجیده می‌شود و اهمیت اندازه بانک، به علت رابطه آن با ساختار مالکیت و دسترسی به سرمایه سهام می‌باشد. دسترسی بانک به سرمایه سهام می‌تواند انعطاف‌پذیری بانک را در برابر هزینه‌های ورشکستگی افزایش دهد، در نتیجه بانک‌های بزرگتر به علت دسترسی آسان‌تر به بازارهای سرمایه و دارا بودن پرتفوی متنوع‌تر نیاز به الزامات سرمایه‌ای کمتری دارند. در نتیجه، افزایش اندازه بانک باعث افزایش نسبت کفایت سرمایه شده است؛ پس یک رابطه مثبت میان اندازه بانک شامل کل دارایی‌ها و نسبت کفایت سرمایه وجود دارد.

بازده حقوق صاحبان سهام^۲ (ROE)

این متغیر نشان‌دهنده قدرت شرکت در کسب سود از منابعی است که سهامداران در اختیار شرکت قرار داده‌اند. از سود خالص و میانگین حقوق صاحبان سهام برای محاسبه این نسبت استفاده می‌شود. نرخ بازده حقوق صاحبان سهام را نرخ بازده ارزش ویژه می‌نامند و با استفاده از این نسبت، سود بانک در ازاء یک ریال حقوق صاحبان سهام را نرخ بازده ارزش ویژه می‌شود. به این ترتیب که سود پس از کسر مالیات را بر حقوق صاحبان سهام تقسیم می‌کنند و با استفاده از نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، رابطه بین سود و ارزش ویژه مشخص می‌شود. سپرده‌های بلندمدت، کوتاه مدت و پس‌اندازها، زمانی موجب افزایش ثروت سهامداران می‌شود که بازده سرمایه‌گذاری، از نرخ بهره سپرده‌ها بیشتر باشد.

بازده دارایی‌ها^۳ (ROA)

بازده دارایی‌ها نشان‌دهنده مدیریت کارآمد در رابطه با استفاده از دارایی‌ها در جهت تولید سود (دارایی‌های مولد) می‌باشد، که از طریق تقسیم سود سالیانه به کل دارایی شرکت محاسبه می‌شود. این نسبت، نسبت سود عملیاتی را به کل منابعی که تحت مدیریت بانک قرار دارد مرتبط می‌سازد. این نسبت یکی از نسبت‌های مهم برای ارزیابی کارآمدی و توان مدیریت است و خالص درآمدی را که از به‌کاربردن کل دارایی‌های بانک ایجاد می‌شود، ارزیابی می‌کند.

اهرم مالی^۴ (LEV)

اهرم مالی بیانگر درصدی از بدهی‌ها است که به وسیله سرمایه پوشش داده می‌شود. بانک‌ها از اهرم‌های مالی برای افزایش بازده حقوق صاحبان سهام استفاده می‌کنند. افزایش استفاده از اهرم مالی باعث افزایش ریسک بانک شده، در نتیجه الزامات سرمایه‌ای بالاتری را به وجود می‌آورد.

-
1. Bank size
 2. Return on equity
 3. Return on assets
 4. Financial Leverage

اهمیت موضوع تحقیق

بانک‌ها به اتکای سرمایه خود در مقابل زیان‌های ناشی از عدم بازپرداخت وام‌های اعطاشده، شرایط نامساعد بازار و برخی تنگناهای عملیاتی ایستادگی می‌کنند. با وجودی که در بهترین حالت نیز ممکن است بانکی با موقعیت سرمایه‌ای مناسب در اثر حوادث ناگوار از پای درآید، یک بانک با سرمایه کافی زمان بیشتری را برای بررسی مشکلات و مواجهه صحیح با مشکلات و حوادث ناگوار در اختیار دارد؛ اما از سوی دیگر، کفایت سرمایه یک بانک مفهومی نسبی است؛ به این معنی که مناسب بودن میزان آن بر حسب اندازه و حجم فعالیت بانک قابل تأیید است، لذا معمولاً کفایت سرمایه بر حسب نسبت سرمایه به دارایی‌ها تعیین می‌شود و شاخصی از توانایی بانک در جذب آثار منفی ناشی از زیانهای احتمالی و اعاده موقعیت مناسب خود، به شمار می‌رود. به این ترتیب، نسبت بزرگتر سرمایه به دارایی‌ها به معنی پوشش بالاتر دارایی‌ها توسط سرمایه یا به عبارت دیگر، کفایت بالاتر سرمایه در مقابل زیانهای احتمالی است؛ لیکن استفاده از معیار ساده سرمایه به دارایی‌ها شامل محدودیت‌هایی است که استفاده از آن را برای قضاوت در خصوص کفایت سرمایه یک بانک با مشکلاتی همراه می‌کند. مهمترین محدودیت این است که با استفاده از آن به صورت کامل نمی‌توان میزان سرمایه بانک را با میزان ریسکی که بانک نسبت به دارایی‌های خود در معرض آن قرار دارد، مرتبط نمود. به عبارت دیگر، نسبت ساده سرمایه به دارایی‌ها وجود تفاوت در ساختار ریسکی دارایی‌های بانکی گوناگونی را که بانک‌ها در اختیار دارند، نادیده می‌گیرد.

از طرفی، سیستم بانکی نقش بسیار مهمی در اقتصاد ایفا می‌کند و علاوه بر آنکه آنها واسطه‌های وجوه در بازار هستند، در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، به دلیل عدم توسعه کافی بازار سرمایه، نقش اساسی در تأمین مالی برنامه‌های میان مدت و بلندمدت اقتصادی کشور دارند. در این شرایط، اتخاذ هرگونه سیاست و یا مشکلات احتمالی سیستم بانکی، نه تنها کل بانک بلکه کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا کمیته بال برای غلبه بر مشکلات مزبور، نسبت کفایت سرمایه‌ای را توصیه می‌کند که ضمن تعریف اجزای مختلف سرمایه، ریسک دارایی‌های مختلف از طریق کاربرد ضرایب گوناگون و متناسب با درجه ریسکی آنها قابل اندازه‌گیری و تعدیل باشد.

از سوی دیگر، با گسترش بخش خصوصی در کشور و اجرایی کردن سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، آزادی عمل بیشتری را در اختیار بخش بانکی خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی گذاشته است و این سیاست باعث خواهد شد که بانک‌ها منابع خود را به صورت کارآمدتر میان بخشهای اقتصادی تخصیص دهند و در نتیجه، اعتقاد بر این می‌باشد که بانک‌هایی که خصوصی شده و مشمول قانون اصل ۴۴ هستند، می‌باید پس از عبور از مرحله دولتی به خصوصی شدن، کارآمدتر

بوده و عملکرد بهتری از دوران قبلی داشته باشند و یکی از اهداف واگذاری سازمان ها و مؤسسات اصل ۴۴، افزایش کارآیی و بهره‌وری آنها است.

۳. فرضیات تحقیق

- ۱- اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
- ۲- بازده کل دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
- ۳- بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.
- ۴- اهرم مالی (نسبت سرمایه به کل بدهی‌ها) تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که میزان تأثیر نسبت‌های مالی حسابداری بر نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی کشور (بانک‌های تجاری دولتی، خصوصی و اصل ۴۴) چیست؟ بنابراین تحقیق حاضر، تحقیقی تجربی و از نظر گردآوری داده‌ها تحقیقی توصیفی مبتنی بر تحلیل رگرسیونی است؛ اگر چه از نظر هدف، تحقیقی کاربردی تلقی می‌شود.

۵. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این تحقیق، عبارت است از اطلاعات بانک‌های شبکه بانکی کشور ایران که در بازه زمانی ۶ ساله طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰ مشغول به فعالیت بوده و دارای صورت‌های مالی در بازه زمانی مزبور می‌باشند؛ که در سه گروه طبقه‌بندی شده‌اند و عبارتند از:

- ۱- بانک‌های تجاری دولتی (ملی، سپه و رفاه)؛
- ۲- بانک‌های اصل ۴۴ (بانک صادرات، ملت و تجارت)؛
- ۳- بانک‌های خصوصی (بانک پارسیان، اقتصادنویین، کارآفرین، پاسارگاد، سامان، سرمایه و سینا).

۶. نحوه جمع‌آوری داده‌ها

ابتدا برای مباحث تئوریک و ادبیات مربوط به تحقیق، از روش کتابخانه‌ای (و از کتب، مجلات تخصصی فارسی، لاتین، مقالات و پایان‌نامه‌ها) استفاده شد. سپس داده‌های جمع‌آوری شده در صفحه گسترده Excel وارد و دسته‌بندی شده به کمک نرم افزار EViews تحلیل‌های

اقتصادسنجی و نیز برآوردهای لازم انجام گردید و نهایتاً با استفاده از شاخص‌های آماری متداول و نتایج حاصل از برآورد، تجزیه و تحلیل صورت گرفت.

۷. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق، از تحلیل رگرسیون و همبستگی بهره گرفته شد و معنی دار بودن الگوها نیز با استفاده از آزمون آماری F و آزمون T و ضریب تعیین و ضریب همبستگی و آزمون دوربین واتسن مورد سنجش قرار گرفت. به دلیل نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موجود، از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. داده‌های ترکیبی، روندهای گذشته متغیرها را در بر گرفته و از نظر لحاظ کردن پویایی متغیرها، اطمینان ایجاد می‌کند. مدل مورد استفاده در این تحقیق با استفاده از مقاله پایه^۱ که بصورت زیر می‌باشد:

$$CAR = f (SIZE, ROA, ROE, LEV)$$

$$CAR_{it} = \beta_0 + \beta_1 SIZE_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_3 ROE_{it} + \beta_4 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

۸. یافته‌های تحقیق

۸-۱. آمار تحلیلی

برای انجام آزمون‌ها و انتخاب مدل مناسب از الگوهای داده‌های ترکیبی، جهت انجام آزمون همگنی، ابتدا مدل در قالب دو روش ضرایب مشترک و ضرایب با اثرات ثابت تخمین زده شد. و با توجه به آماره F به دست آمده، مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات مشترک برای آزمون فرضیات تحقیق انتخاب شد.

۸-۲. آزمون فرضیات تحقیق

در این بخش، نتایج هر یک از فرضیات با استفاده از رگرسیون و مدل Panel data ارزیابی و در نهایت، نتیجه کلی برای هر مدل برآورد شده است.

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، سطح معنی داری تمام متغیرهای تحقیق کمتر از ۵ درصد می‌باشد، لذا فرضیات تحقیق پذیرفته می‌شود و این، نشان دهنده آن است که بین عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های تجاری دولتی، رابطه معناداری وجود دارد. معنی داری رگرسیون نیز توسط آماره F تأیید می‌شود. با توجه به R^2 تعدیل شده مدل می‌توان ادعا کرد که حدود ۹۹ درصد از تغییرات نسبت کفایت سرمایه (متغیر وابسته) توسط متغیرهای مستقل

1. Mohammed, T. et al. (2013) Determinants of Capital Adequacy Ratio (CAR) in Indonesian Islamic Commercial Banks.

توضیح داده می‌شود و آماره دوربین واتسون (۲,۳۴)، بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلاص در دوره‌های مختلف مورد بررسی است که برای رفع آن، از روش GLS استفاده شده است.

جدول ۱. نتایج فرضیات در گروه بانک های تجاری دولتی

متغیر وابسته: نسبت کفایت سرمایه			
Method: panel EGLS			متغیرمستقل
P – value	آماره t	ضریب	
0.0031	17.87415	9.539472	ضریب C
0.0001	-131.4011	-0.000757	LEV
0.0036	-16.71546	-6.443118	ROA
0.0042	15.31191	0.153677	ROE
0.0001	128.5900	0.000747	SIZE
2.343403	آماره دوربین واتسون	0.006084	آماره F
0.992546	R2 تعدیل شده	0.998645	R-squared

همچنین آماره هاسمن بیانگر به کارگیری مناسب بودن روش اثر ثابت در مقابل روش تصادفی است. بنابراین، الگوی کلی تحقیق به صورت زیر خواهد بود:

$$CAR = 9/53 + 0.15ROE + 0.0007SIZE - 0.0007LEV - 6.44ROA + e$$

و نتایج تک تک آزمون‌ها نشان می‌دهد که:

فرضیه اول: اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از آن می‌باشد که بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور، مثبت (۰,۰۰۰۷) می‌باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش اندازه بانک، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی افزایش خواهد یافت.

فرضیه دوم: نسبت بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معنا داری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن می‌باشد که بین نسبت بازده دارایی‌ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد و

با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۶,۴۴) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین نسبت بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش نسبت بازده دارایی ها، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی کاهش خواهد یافت.

فرضیه سوم: بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معنا دار بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن می باشد که بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۰,۱۵) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی افزایش خواهد یافت.

فرضیه چهارم: اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از آن می باشد که بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۰,۰۰۰۷) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های تجاری دولتی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش اهرم مالی، نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری دولتی کاهش خواهد یافت.

همان طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می شود، سطح معنی داری تمام متغیرهای تحقیق کمتر از ۵ درصد می باشد، لذا فرضیات تحقیق پذیرفته می شود و این نشان دهنده آن است که بین عوامل مؤثر بر نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی شده، رابطه معناداری وجود دارد. معنی داری رگرسیون نیز توسط آماره F تأیید می شود. با توجه به R^2 تعدیل شده مدل می توان ادعا کرد که حدود ۹۷ درصد از تغییرات نسبت کفایت سرمایه (متغیر وابسته) توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود و آماره دوربین واتسون (۲,۲۹) بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلاص در دوره های مختلف مورد بررسی است که برای رفع آن، از روش GLS استفاده شده است.

جدول ۲: نتایج فرضیات در گروه بانک های خصوصی

متغیر وابسته: نسبت کفایت سرمایه			
Method: panel EGLS			متغیر مستقل
P - value	آماره t	ضریب	
0.0488	1.895696	11.01743	ضریب C
0.0208	-2.604998	-0.000108	LEV
0.0000	22.15445	3.154308	ROA
0.0003	-4.697973	-0.164920	ROE
0.0050	3.330033	0.000129	SIZE
2.292481	آماره دوربین واتسون	0.000000	آماره F
0.970561	R2 تعدیل شده	0.984735	R-squared

همچنین آماره هاسمن، بیانگر به کارگیری مناسب بودن روش اثر ثابت در مقابل روش تصادفی است و بنابراین، الگوی کلی تحقیق به صورت زیر خواهد بود:

$$CAR = 11.01 + 3.15ROA + 0.0001SIZE - 0.16ROE - 0.0001LEV + e$$

و نتایج تک تک آزمون ها نشان می دهد که:

فرضیه اول: اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از آن می باشد که بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۰,۰۰۰۱) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی بوده و این نشان دهنده آن است که با افزایش اندازه بانک، نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی افزایش خواهد یافت.

فرضیه دوم: بازده دارایی ها تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن می باشد که بین نسبت بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۳,۱۵) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین نسبت بازده دارایی ها و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش نسبت بازده دارایی ها، نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی افزایش خواهد یافت.

فرضیه سوم: بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معناداری بر نسبت کفایت سرمایه دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن می باشد که بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۰,۱۶) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی بوده و این نشان دهنده آن است که با افزایش بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی کاهش خواهد یافت.

فرضیه چهارم: اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از آن می باشد که بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی در سطح خطای کمتر از ۵٪ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور منفی (۰,۰۰۱) می باشد، در نتیجه بیانگر رابطه منفی و معنی دار بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های خصوصی است و این نشان دهنده آن است که با افزایش اهرم مالی، نسبت کفایت سرمایه بانک های خصوصی کاهش خواهد یافت.

جدول ۳. نتایج فرضیات در گروه بانک های اصل ۴۴

متغیر وابسته: نسبت کفایت سرمایه			
Method: panel EGLS			متغیر مستقل
P – value	t آماره	ضریب	
0.0050	-14.04981	-54.70477	ضریب C
0.1479	2.302480	0.000503	LEV
0.0630	-3.791986	-21.73933	ROA
0.0421	4.716693	2.011088	ROE
0.1241	-2.567316	-0.000528	SIZE
2.284787	آماره دوربین واتسون	0.081382	F آماره
0.897224	R ² تعدیل شده	0.981313	R-squared

همان طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می شود، سطح معنی داری رگرسیون توسط آماره F در سطح خطای ۱۰ درصد تأیید می شود. با توجه به R² تعدیل شده مدل می توان ادعا کرد که حدود ۸۹ درصد از تغییرات نسبت کفایت سرمایه (متغیر وابسته) توسط متغیرهای مستقل توضیح داده

می‌شود و آماره دوربین واتسون (۲,۲۸) بیانگر نبود خودهمبستگی بین متغیرهای مستقل و آزمون همگنی واریانس، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در اجزاء اخلاص در دوره‌های مختلف مورد بررسی است که برای رفع آن، از روش GLS استفاده شده است. همچنین آماره هاسمن بیانگر به کارگیری مناسب بودن روش اثر ثابت در مقابل روش تصادفی است و بنابراین، الگوی کلی تحقیق به صورت زیر خواهد بود:

$$CAR = -54.70 + 2.01ROE + e$$

و نتایج تک تک آزمون‌ها نشان می‌دهد که:

فرضیه اول: اندازه بانک تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از آن می‌باشد که سطح معنی داری متغیر اندازه بانک برابر با (۰,۱۲۴۱) و از آنجا که سطح خطای متغیر مذکور بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه می‌توان بیان کرد که بین اندازه بانک و نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اصل ۴۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی داری وجود ندارد و ضریب حاصله برابر با منفی (۰,۰۰۰۵) است و بنابراین، فرضیه اول رد می‌شود.

فرضیه دوم: بازده دارایی‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از آن می‌باشد که سطح معنی داری متغیر بازده دارایی‌ها برابر با (۰,۰۶۳۰) و از آنجا که سطح خطای متغیر مذکور بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه می‌توان بیان کرد که بین بازده دارایی‌ها و نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اصل ۴۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی داری وجود ندارد و ضریب حاصله برابر با منفی (۲۱,۷۳) است و بنابراین، فرضیه دوم نیز رد می‌شود.

فرضیه سوم: بازده حقوق صاحبان سهام تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم حاکی از آن می‌باشد که بین نسبت بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های اصل ۴۴ در سطح خطای کمتر از ۵ درصد، رابطه معنی داری وجود دارد و با توجه به اینکه ضریب متغیر مذکور مثبت (۲,۰۱) می‌باشد، در نتیجه بیانگر رابطه مثبت و معنی دار بین نسبت بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های اصل ۴۴ بوده که نشان می‌دهد با افزایش نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اصل ۴۴ افزایش خواهد یافت.

فرضیه چهارم: اهرم مالی تأثیر مثبت و معناداری بر روی نسبت کفایت سرمایه دارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه چهارم حاکی از آن می‌باشد که سطح معنی داری متغیر اندازه بانک برابر با (۰,۱۴۷۹) و از آنجا که سطح خطای متغیر مذکور بیشتر از ۵ درصد است، در نتیجه می‌توان

بیان کرد که بین اهرم مالی و نسبت کفایت سرمایه بانک‌های اصل ۴۴ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی داری وجود ندارد و ضریب حاصله برابر با مثبت (۰,۰۰۰۵) است و بنابراین، فرضیه چهارم نیز رد می‌شود.

۹. نتیجه گیری و بحث

با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیات و آماره f به دست آمده، رابطه معناداری بین نسبت‌های مالی حسابداری با کفایت سرمایه در بانک‌های تجاری دولتی و بانک‌های خصوصی وجود دارد و با توجه به ابلاغ آیین نامه کفایت سرمایه^۱ این بانک‌ها هنوز مسیر خود را شناسایی نکرده و یا به آرامی حرکت می‌نمایند و هنوز الزامی به استفاده از راهکارهای گوناگون و افزایش سرمایه نسبت به بهبود کفایت سرمایه و افزایش توان خود در پاسخگویی به مشتریان، اقدامات ناچیزی نموده‌اند. بنابراین توجه به این نکته ضروری است که مقایسه بین سیستم بانکداری ایران و سایر کشورها که دارای سیستم بانکی خصوصی گسترده‌اند، با مشکل مواجه است و دلیل تفاوت در نتایج به دست آمده در تحقیق بین برخی از نسبت‌های مالی در بانک‌های دولتی و خصوصی ایران نیز شاید ناشی از این امر باشد.

سیستم بانکی دولتی و خصوصی در زمینه ساختار، استفاده از منابع، متنوع بودن اقسام سرمایه، مدیریت ریسک، انگیزه کسب سود و غیره، دارای تفاوت‌های اساسی می‌باشند. بانک‌های دولتی ایران در زمان بحران همیشه از بانک مرکزی کمک می‌گیرند و در سایه بانک مرکزی فعالیت نموده و بیشتر دستوری عمل می‌نمایند و این اتکا به بانک مرکزی و دولت شاید مهمترین دلیل پایین بودن نسبت کفایت سرمایه این بانک‌ها است.

از طرفی، خصوصی سازی، برنامه‌ای است که در بسیاری از کشورهای جهان به منظور کاهش فعالیت دولت در عرصه‌های مختلف اجتماعی بویژه در بخش اقتصاد اجرا شده است. اما بعد از گذشت چند سال از دور جدید خصوصی سازی توسط دولت، در مورد مؤلفه دولت به عنوان مجری سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با توجه به واگذاری‌های انجام شده و نتایج به دست آمده از تحقیقات گوناگون مثلاً سهام واگذار شده در سال ۸۶ به صورت سهام عدالت، می‌توان به تأکید دولت بر اجرای طرح واسع (سهام عدالت) و اولویت آن نسبت به خصوصی سازی، نتیجه گیری کرد که عملاً فقط صاحبان برگه سهام بهره‌مند از سود تقسیمی خواهند بود و در تصمیم گیری‌های

۱. مصوب جلسه ۱۰۱۴ شورای پول در سال ۱۳۸۲ و ابلاغ به بانک‌های دولتی.

مدیریتی، مشارکتی نخواهند داشت و در نهایت، این شرکت ها همچنان تحت مدیریت دولت باقی خواهند ماند.

با توجه به اینکه برای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ هشت هدف کلی متصور می‌باشد که عبارتند از: شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، گسترش مالکیت عمومی، ارتقای کارآیی و بهره‌وری، افزایش رقابت‌پذیری، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش اشتغال و بالاخره بهبود سطح درآمد عمومی و رفاه جامعه. با توجه به گذشت هشت سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ وضعیت این طرح کلان اقتصادی در حاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ به طوری که در واگذاری سازمان ها و مؤسسات دولتی ظهور و حضور شبه دولتی ها کاملاً احساس می‌شود و این می‌تواند دلیلی بر عدم ارتباط بین نسبت های مالی و نسبت کفایت سرمایه در بانک های اصل ۴۴ باشد. در لیست سهامداران گروه اصل ۴۴ بخش اعظم سهام متعلق به شرکت ها و مؤسسات نهادی متعلق به دولت می‌باشند و از اهداف محوری اصل ۴۴ به دور مانده اند. اقتصاد ایران سالها است که با رویکرد و ساختار اقتصاد دولتی عجین و دولت متولی اقتصاد بوده و بخش خصوصی چندان جایگاهی در اقتصاد ایران نداشته است و از این رو، نهادهای دولتی شکل گرفته و قوی شده‌اند اما نهادها و تشکل‌های لازم برای توسعه بخش خصوصی تشکیل نشده یا دارای ساختاری شکننده و ضعیف هستند و بنابراین، یک تصمیم جدی و شجاعانه می‌تواند راهگشا باشد.

در نتیجه، از آنجا که اولاً، نسبت کفایت سرمایه از جمله مهمترین شاخص های کمی برای ارزیابی عملکرد بانک ها و مؤسسات اعتباری است و ثانیاً، دستیابی به حداقل نسبت کفایت سرمایه تعیین شده، به عنوان نشانه ای از موقعیت اعتباری بانک ها تلقی می‌شود و همچنین از جنبه های گوناگون عملکرد آن (مثل تغییرات در ریسک پرتفوی، سودآوری و اندازه) تأثیر می‌پذیرد و بر آنها تأثیر نیز می‌گذارد، به نظر می‌رسد که می‌باید توجه لازم بدان مبذول داشته و راهکارهای مناسب را جهت بهبود آن اندیشید؛ به طوری که، هم به حداقل استاندارد اعلام شده دست یافت تا موجب حفظ موقعیت رقابتی سیستم بانک ها گردد و هم، از سایر اثرات مثبت آن بر عملکرد بانک، مثل افزایش کارآیی بهره جست.

پیشنهادات

پیشنهاداتی برای بهتر شدن عملکرد بانک ها (براساس پیشنهاد کمیسیون اقتصادی مجلس به مدیران بانکی) طبق نتایج تحقیق ارائه می‌شود:

۱. با توجه به کنفرانس بین المللی بال ۲، ضریب کفایت سرمایه بانک‌ها طبق استاندارد ۱۲ درصد و بر اساس مصوبه شورای پول و اعتبار، کفایت سرمایه بانک‌ها در ایران ۸ درصد می باشد که نیاز به افزایش سرمایه بانک‌ها را بیش از پیش ضروری می سازد؛
۲. تهیه استاندارد‌ها و رویه‌های مربوط به محاسبات انواع مختلف ریسک؛
۳. به کارگیری تمهیدات پیشگیرانه به منظور کاهش ریسک بانک‌ها در مواجهه با تحریم‌های بین المللی؛
۴. افزایش نسبت کفایت سرمایه بانک از طریق تملک دارایی‌های مالی و توسعه، از محل وجوه اداره شده و از محل بازپرداخت تسهیلات اعطایی حساب ذخیره ارزی و ...؛
۵. توجه به ساختار شورای رقابت و سازمان خصوصی سازی و تقویت آنها؛
۶. یکی از اشکالات فراروی اجرای قانون، آموزش خود قانون است. هنوز عبارات و تعاریف و مفاهیم ساده تبیین و تشریح نشده است. نمایندگان بخش‌های خصوصی و تعاونی یعنی اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و اتاق تعاون، می توانند دیدگاه‌ها، چالش‌ها و مشکلات فراروی اجرای قانون و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را تشریح و اعلام نمایند.

منابع و مأخذ

- ابویناسی، براتعلی (۱۳۸۳) بررسی راه های افزایش سودآوری در نظام بانکی کشور، مورد پژوهی: بانک ملت؛ مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- آخوندزاده، عباس (۱۳۸۸) مطالعه تطبیقی مقررات بال ۱ و ۲ در صنعت بانکداری ایران؛ تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- امامی میبیدی، علی (۱۳۷۹) اصول اندازه گیری کارآیی و بهره وری علمی و کاربردی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آئین نامه کفایت سرمایه، ۱۳۸۲.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آئین نامه سرمایه پایه بانک ها و مؤسسات اعتباری، ۱۳۸۲.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دستورالعمل طبقه بندی دارایی های موزون شده، ۱۳۸۲.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بخشنامه حداقل سرمایه اولیه برای بانک های غیر دولتی، ۱۳۸۹.
- بهرامی، مهناز و ناهیدکلباسی (۱۳۷۴) استاندارد بین المللی کفایت سرمایه بانک ها؛ تهران: مجموعه گزارشات اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۸.
- بهرامی، مهناز (۱۳۸۷) محاسبه نسبت کفایت سرمایه بانک های تجاری و تخصصی در نظام بانکی ایران؛ تهران: مجموعه پژوهش های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۹.
- پهلوان زاده، مسعود (۱۳۸۶) مروری بر رویکرد جدید نسبت کفایت سرمایه؛ تهران: نشریه علمی-تخصصی روند، شماره ۵۲ و ۵۳.
- دادگر، یداله و نعمت زاده، زهرا (۱۳۸۶) کاربرد مدل DEA در ارزیابی واحدهای اقتصادی؛ فصلنامه اقتصادی جستارهای اقتصادی، شماره هفتم.
- رحمانی، علی و حیدری، سید علی (۱۳۸۵) بررسی رابطه بین نسبت کفایت سرمایه با متغیرهای مالی در سیستم بانکی؛ مجله پیام مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲.
- سیف، ولی اله (۱۳۸۳) کفایت سرمایه در نظام بانکی؛ تهران: مجله حسابدار، سال بیستم، شماره ۱۷۰ و ۱۷۱.
- فلاح شمس، میرفیض و عباس زاده، حسن (۱۳۸۷) مقایسه تطبیقی کفایت سرمایه در بیانیه اول و دوم کمیته بال؛ تهران: نشریه روند، شماره ۵۴ و ۵۵.
- مجموعه مقالات اولین همایش بررسی نقش و عملکرد نظام بانکی ایران در تحقق اهداف برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، ۱۳۸۴.
- نوری شکری، زهرا (۱۳۸۹) بررسی رابطه نسبت کفایت سرمایه با ریسک ورشکستگی و عملکرد مالی بانک ها، پایان نامه، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- Baird, I.S. & H. Thomas (1985) Toward a Contingency Model of Strategic Risk Taking; Academy of Management Review, Vol. 10: 230-243

-
- Berger, A. (1995) The relationship between capital and earnings in banking; Money Credit Banking 27: 432-456
- Berger, A.N.; R.J. Herring and G.P.Szego (1995) The role of capital in financial institutions; J.Banking Fin. 19 :393- 430
- Bichsel, R. and J. Blum (2005) Capital regulation of banks: Where do we stand and where are we going?; Q. Bull. 4 :42 - 55.
- Daesik Kim & Anthony M. Santomero.” Risk in Banking & Capital regulation; Journal of Finance. Vol. 43, No. 5: 1219-33.
- Gilbert, R. A. and D. C. Wheelock (2007) Measuring commercial bank profitability: Proceed with caution; Federal Res. Bank St. Louis Rev. 22: 515-532.
- Hutchison, D. E. and R.A.K. Cox (2006) The Causal Relationship between Bank Capital and Profitability; Proceeding of the Annals of Financial Economics estwood Development Group (AFEWDG06), and University of Ontario, Institute of Technology, Ontario: 40-54.
- Mohammed, T.; Abusharba, Iwan Triyuwono; Munawar Ismail and Aulia F. Rahman (2013) Determinants of Capital Adequacy Ratio (CAR) in Indonesian Islamic Commercial Banks; Global Review of Accounting and Finance, Vol. 4. No. 1. March: 159-170.